

# آنکه گفت «نه»

گزارش «آیت ماندگار» از پیروزی نامزد  
جبهه اصلاحات با مشارکت حداقلی مردم در انتخابات



چرا جبهه انقلاب به وحدت نرسید؟  
شکست تندروها به سبب سهم خواهی



کارزار تغییر شهردار یا بتخت  
چرا تهرانی‌ها از آکنی رانمی خواهند؟

رابطه بین تمرکز ذهن و موفقیت

ayate mandegar  
Monthly

محمود سنج‌العلم  
استاد دانشگاه



فلسطین و ذهن‌های دوگانه‌ساز

آرین رسولی  
دکتری فلسفه



# آیت ماندگار

www.ayatemandegar.ir

ماهنامه سیاسی، اجتماعی | شماره ۱۲۰ | تیرماه ۱۴۰۳ | سال دهم | چهار صفحه | رایگان | No.120 July 2024 | Political, Social



نگاه «آیت ماندگار» به کابینه احتمالی مسعود پزشکیان

## دولت سوم روحانی یا خاتمی؟

۳۰۲

رای به پزشکیان با پیام‌های مختلف

محمد آیتی  
مدیرمسئول



#آیت\_ماندگار  
@ayatemandegar



یادداشت ماه

## رابطه بین تمرکز ذهن و موفقیت



چگونه می‌توان از پخش بودن ذهن افراد و یک نظام اجتماعی جلوگیری کرد؟ تجربه بشری می‌گوید به میزانی که استخدام‌کننده اصلی در یک کشور نزد بخش خصوصی باشد به همان میزان، افراد و سیستم اجتماعی می‌آموزند تا میان منابع و اهداف، توازن برقرار کنند. اولویت‌ها را چگونه باید تعیین کرد؟ یک، دو و سه یک کشور چیست؟ یک، دو و سه یک بنگاه اقتصادی چیست؟ یک، دو و سه یک فرد چیست؟ چگونه یک شهروند می‌تواند با ده‌ها شغل همزمان، تمرکز، کارآمدی و جواب گرفتن از زندگی را داشته باشد؟ بودجه یک کشور چگونه طراحی و تنظیم می‌شود؟ انگلیسی‌ها می‌گویند یکی از راه‌های شناخت یک فرد این است که چگونه پول خود را خرج می‌کند. چرا سوییس خاص است؟ چون حدود خود را می‌شناسد. چرا روسیه مشکل دارد؟ چون فراتر از توان اقتصادی خود، ادعا دارد. چرا شرکت‌ها ورشکسته می‌شوند؟ چون اولویت‌های خود را تشخیص نمی‌دهند، شرایط را دقیق نمی‌سنجند و میان منابع و اهداف، تعادل برقرار نمی‌کنند. چرا یک شبه به پول و ثروت رسیدن، خیلی‌ها را گرفتار می‌کند، زیرا فرآیندها را طی نکرده‌اند. یکی از نکات برجسته‌ای که این نویسنده یک‌بار از هانس-دیتریش گنشر، وزیر خارجه اسبق آلمان شنید این بود که: یک سیاستمدار باید تشخیص دهد چه وقت از قدرت کناره‌گیری کند. گنشر در اوج قدرت خود، زمانی که دو آلمان متحد شدند و او را همگان معمار وحدت آلمان شناخته بودند از وزارت خارجه کناره‌گیری کرد. این تفاوت بین سیاستمدار آلمانی و جهان سومی است: در جهان سوم، اکثر سیاستمداران به سیاست علاقه دارند چون می‌خواهند خوب زندگی کنند، اما در آلمان، سیاست‌مداری یعنی حل مشکلات و باز کردن گره‌ها. نلسون ماندلا علی‌رغم اصرار نخبگان سیاسی و عام مردم، از شرکت در دوره دوم ریاست‌جمهوری امتناع کرد و گفت: یک دوره پنج ساله برای انتقال به جمهوریت کافی است. می‌خواهم کار عام‌المنفعه انجام دهم؛ دیگران بیایند مدیریت کنند. شناخت اولویت‌ها و حفظ تمرکز، یک هنر خارق‌العاده انسانی است. هم‌اکنون ماندلا شخصیتی ماندگار در سطح جهانی است. او متوجه شد که «خاص بودن» او در بیرون ماندن از قدرت است. از این‌رو، چقدر یک فرد، یک بنگاه اقتصادی، یک نهاد مدنی و یک حکومت باید فکر کند، مشورت کند، بحث کند، طوفان مغزی به پا کند، گوگل کند، جدل کند، مناظره کند، کتاب بخواند و خط خطی کند تا به فرمول و معماری «خاص بودن» و «تمرکز» خود برسد و با سنجش و Navigation مرتب شرایط محیطی، آن تمرکز را حفظ کند. پخش بودن ذهن، آفت و مانع بزرگی برای رشد است، زیرا از تمرکز انرژی جلوگیری می‌کند. پخش بودن فعالیت‌های یک دولت نیز به موفقیت آن نمی‌انجامد.

بخش خصوصی است که سیستم می‌فهمد، متوجه زمان است، منابع را بهینه‌سازی می‌کند، هدفی خارج از واقعیت تعیین نمی‌کند، می‌گوید اشتباه کردم، اول به همسایه صادر می‌کنند بعد به بولوی، هزینه حساس است، کار از هشت صبح شروع می‌شود، پرسنل با بربری سر کار نمی‌روند، بلکه صبحانه را منزل می‌خورند، باید به سهام‌داران پاسخگو باشد، مدیری کاردان نباشد باید استعفا دهد، با احساسات تصمیم نمی‌گیرد، با اعداد و ارقام تحلیل می‌کند، مرتب به آینده فکر می‌کند، معنای رقابت را درک می‌کند، رضایت مصرف‌کننده برای او جدی است، اگر دروغ بگوید اعتبار و سهم بازار خود را از دست می‌دهد و در نهایت با واقعیت مدیریت می‌کند، بهترین گواه این تحلیل، جایگاه آلمان، چین، آمریکا، ژاپن و کره‌جنوبی در نظام جهانی است. در این کشورها، جهت‌گیری‌ها، اولویت‌ها و استفاده بهینه از منابع، تحت تأثیر بنگاداری اقتصادی است. در تاریخ این کشورها، تمرکز ذهنی

و عملی در اقتصاد به تمرکز ذهنی و عملی در سیاست انجامیده است. شهروندان در این فضا، با ذهن‌های متمرکز پرورش پیدا می‌کنند.

جنگال ماه



## نگاه «آیت ماندگار» به کابینه احتمالی مسعود پزشکیان

# دولت سوم روحانی یا خاتمی؟

اصولگرا کار می‌کند. او به ویژه در دو مناظره آخر با سعید جلیلی در دور دوم در پاسخ به اظهارات این نامزد اصولگرا که پزشکیان را دولت سوم روحانی می‌خواند بارها تاکید کرد که طرح چنین مسائلی تهمت است و او دولت دوم یا سوم هیچ‌کس نیست.

او همچنین به خاطره حضورش در دولت سیدمحمد خاتمی اشاره

به امضای ۳۱ هزار نفر رسیده بود، ابهامات قانونی‌بودن انتخاب زاکانی به عنوان شهردار تهران مطرح شده بود. این کارزار خطاب به وزیر کشور بود و امضاکنندگان تاکید داشتند انتخاب زاکانی به عنوان شهردار تهران، با قوانین و مقررات حاکم بر شرایط احراز تصدی سمت شهرداران دارای مغایرت‌است.

در جلسات پایانی شورای شهر تهران در سال گذشته هم مهدی اقراریان، عضو کمیسیون نظارت شورای شهر هشدار داد که زمان کارآموزی شهردار به پایان رسیده و گفت: شهردار تهران همان‌طور‌که در شورا طرفداران پروپاقرص دارد، منتقدانی نیز دارد که بنده با افتخار از منتقدان هستم.

ما برای تغییرات در شهر تهران به همکاری جمع مشخصی از اعضای شورا نیاز داریم. چنانچه تعداد مشخصی از اعضا نسبت به عملکرد شهردار اعتراض داشته باشند، ابتدا باید به صورت روشن از مسیر رییس شورا به شهردار تذکر دهند و در صورت عدم‌رعایت مفاد مورد تذکر، استیضاح مطرح می‌شود. سه سال فرصت‌دادن به شهردار برای کارآموزی و آشنایی با مسائل شهر کفایت می‌کند و سال ۱۴۰۳ زمانی است که یا باید به وعده‌ها عمل شود یا باید تصمیم دیگری گرفت.»

هرچند او در نخستین جلسات علنی شورای شهر در سال جدید گفت: به ما گفته‌اند زاکانی را استیضاح نکنید تا مدیریت ثبات‌بماند.

اقراریان در جلسه سه‌شنبه ۱۹ تیر هم به ماجرای کارزار و برکناری زاکانی اشاره کرد و با بیان اینکه نمی‌توان نسبت به دغدغه ۱۵۰ هزار هموطن آن‌ها از موضع لجبازی و قلدری برخورد و برخلاف میل آن‌ها عمل کند. تهران کلان‌شهری پرمساله است و اداره آن مسئولیتی سنگین است که شهرداری دانشمند و توانمند و با فکر و با تجربه می‌طلبد که از عهده و نیست و از عهده این مسئولیت سنگین برنمی‌آید. لذا از آن شورا انتظار

می‌رود تا بار این مسئولیت سنگین را از روی دوش ایشان برداشته و بر دوش اهلس بگذارد.»

هرچند این نخستین کارزار برای برکناری علیرضا زاکانی نیست، در سال ۱۴۰۰ نیز برخی از شهرسازان، کارشناسان حقوقی و شهروندان تهرانی به حکم وی اعتراض کردند و آن را غیرقانونی دانستند. در این کارزار که

- ماهنامه سیاسی، اجتماعی
- شماره ۱۲۰
- تیرماه ۱۴۰۳

داشت و تاکید می‌کرد که در آن زمان هم عضوی از حزب مشارکت یا کارگزاران نبوده است، اما به دلیل عملکردش، رییس‌جمهور وقت تصمیم گرفته بود او را به عنوان وزیر بهداشت معرفی کند.

اما با این حساب برخی گمانه‌زنی‌ها حاکی از این است که اصلاح‌طلبان سهم بیشتری در دولت پزشکیان خواهند داشت. هرچند برخی کارشناسان سیاسی پیشنهاد داده‌اند که پزشکیان افراد کارآمد دولت رئیس‌ی را حفظ کند.

بر اساس یک اصل رایج، روسای‌جمهور دست‌کم گزینه‌های خود برای چهار وزارتخانه اطلاعات، دفاع، امور خارجه و کشور را با رهبر انقلاب مطرح می‌کنند و پس از تایید ایشان، آن‌ها را در فهرست نهایی خود قرار می‌دهند.

در نتیجه اگر پزشکیان بخواهد به این حرف‌های خود پایبند باشد، می‌توان انتظار داشت که کابینه او تا اندازه‌ای مانند کابینه حسن روحانی، چندحزبی باشد و افراد از جریان‌های مختلف سیاسی اصلاح‌طلب و اصولگرا در آن‌جا نقش داشته باشند. روی همین حساب، برخی از ناظران سیاسی از عزت‌ا... ضرغامی و کیومرث هاشمی که در وزارت‌خانه‌های میراث فرهنگی و ورزش فعالیت دارند به عنوان دو گزینه محتمل در این زمینه یاد می‌کنند. همچنین از عباس عراقچی هم به عنوان وزیر احتمالی امور خارجه نام برده می‌شود.

مسعود پزشکیان همچنین در جریان تبلیغات انتخاباتی از نبود سیاستمداران و مدیران اهل سنت و کرد هم در مناصب بالای دولتی، انتقاد کرد. او در میزگرد فرهنگی خود در تلویزیون تاکید داشت که یک فرد اهل سنت نمی‌تواند در جمهوری اسلامی به مقام‌هایی چون وزارت برسد و بخشی از نارضایتی آن‌ها از نظام از همین احساس تبعیض حاصل می‌شود.
در سال ۱۳۹۳ تورم به ۱۵۶ درصد رسید و یک سال بعد نیز باز بدون برجام تورم ۱۱٫۹ درصد شد و در سال‌های ۹۵ و ۹۶ نیز که برجام اجرا می‌شد، این رقم به ۹ و ۹٫۷ درصد کاهش یافت. این حد از کاهش تورم، بعدها دیگر تکرار نشد.

یکی دیگر از مسائلی که پزشکیان در کمپین انتخاباتی خود بر آن تاکید داشت، لزوم حمایت بیشتر از زنان و دفاع از آن‌ها در مقابل اقداماتی که امنیت و آرامش روانی‌شان را به خطر انداخته است، بود. او همچنین افزوده بود که زنان در جامعه ایران به حق خود نمی‌رسند و باید بیشتر

تحلیل‌ماه

## گزارش «آیت ماندگار» از پیروزی نامزد جبهه اصلاحات با مشارکت حداقلی مردم در انتخابات

# آنکه گفت «نه»

**گروه سیاسی:** «مردم عزیز ایران انتخابات تمام شد و این تازه آغاز همراهی ماست. مسید دشوار پیش‌رو ما با همراهی، همدلی و اعتماد شما هموار نخواهد شد. دست‌ر را به سوی خدا دراز می‌کنم و به شرافتم سوگند می‌خورم که در این راه تنهائتان نخواهم گذاشت. تنهائیم نگذارید.» این نخستین پیام نماینده سابق مردم تبریز و رییس‌جمهور فعلی همه مردم ایران پس از پیروزی در انتخابات چهاردهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری بود که روز جمعه ۱۵ تیر با حضور نییمی از واجدان شرایط پای صندوق‌های رای مسعود پزشکیان از آن پرخوردار بود، کمی دور از ذهن به نظر می‌رسید، اما پس از ۶۰ درصد رای اعتراضی مردم یا عدم‌مشارکت در انتخابات هشتم تیر که توجه بسیاری از تحلیلگران را به خودش جلب کرده بود، یعنی آرای قابل توجه‌ای که اگر به سید رای پزشکیان اضافه می‌شد، می‌توانست کار را در همان مرحله اول تمام کند، اما این اتفاق رخ نداد تا همه چیز به ۱۵ تیر و فینال رقابت‌ها کشیده شود؛ بالاخره در دور دوم انتخابات، بسیاری از مردم توانستند این مهم را به سرانجام برسانند.

اما در سوی دیگر ماجرا حامیان سعید جلیلی که خود را در یک‌قدمی پاستور می‌دیدند با انتشار پیام‌های گلابه‌آمیز خطاب به حامیان قالیباف مدعی شدند که اگر قالیباف در دور نخست انتخابات کنار می‌رفت، اکنون جلیلی به جای پزشکیان رییس‌جمهور شده بود.

کانال تلگرامی صابرن‌نیوز هم بخشی از نظرسنجی دانشگاه تهران (یکم تیر) را منتشر کرد که نوشته بود، مطابق این جدول، قالیباف در صورت کنار

برای حضور آن‌ها در جامعه فضاسازی کرد. در چنین صورتی ممکن است او پس از محمود احمدی‌نژاد، دومین رییس‌جمهور ایران باشد که در کابینه خود وزیر زن معرفی می‌کند.

سیده‌حمیده زرآبادی هم اکنون به عنوان سخنگوی ستاد پزشکیان فعالیت می‌کند و این احتمال وجود دارد که او، معصومه ابتکار، شهیندخت مولاوردی و پروانه سلحشوری در کابینه چهاردهم حضور داشته باشند.

در برخی از گمانه‌زنی‌ها از علی طیب‌نیا به عنوان گزینه معاون اولی رییس‌جمهور و یا وزیر اقتصاد، یاد می‌شود. همچنین محمدجواد ظریف و محمدجواد آذری‌جهرمی از دیگر کسانی هستند که حضور آن‌ها در کابینه آتی مسعود پزشکیان محتمل است.

علی طیب‌نیا، اقتصاددان و استاد دانشگاهی است که در دولت یازدهم به ساختمان قدیمی وزارت امور اقتصادی و دارایی در باب هماهین راه یافت و بر صندلی وزارت تکیه زد. او در انتخابات یازدهمین دوره ریاست‌جمهوری در قامت مشاور عارف، نامزدی که در روزهای پایانی رقابت‌های انتخاباتی به نفع حسن روحانی کنار رفت در صفحه تلویزیون ظاهر شد.

علی طیب‌نیا را می‌توان موفق‌ترین وزیر اقتصاد در تاریخ جمهوری اسلامی دانست. در تمام سال‌های بعد از جنگ که دولت‌های هاشمی، خاتمی، احمدی‌نژاد، روحانی و رئیسی در راس امور اجرایی کشور بوده‌اند، تنها در دو سال تورم در ایران تک رقمی بود و آن دو سال نیز مربوط به دوران وزارت طیب‌نیا می‌شد. آنگاه که طیب‌نیا در سال ۱۳۹۲ وزیر شد، تورم ۳۴٫۷ درصد بود، او اما موفق شد در همان سال اول و حتی قبل از تصویب برجام، با سیاست‌های اقتصادی‌اش، تورم را در یک سال به کمتر از نصف برساند و در سال ۱۳۹۳ تورم به ۱۵۶ درصد رسید و یک سال بعد نیز باز بدون برجام تورم ۱۱٫۹ درصد شد و در سال‌های ۹۵ و ۹۶ نیز که برجام اجرا می‌شد، این رقم به ۹ و ۹٫۷ درصد کاهش یافت. این حد از کاهش تورم، بعدها دیگر تکرار نشد.

در واقع باید اذعان داشت که علی طیب‌نیا در دوره چهار ساله وزارت خود، دستاورد قابل ملاحظه‌ای را در حوزه مهار تورم داشت. حال، آنچه که مردم و پزشکیان روی آن اتفاق‌نظر دارند، اقتصاد و حل معیشت خانواده‌ها است.

رفتن، ۳۸ درصد رای به جلیلی و ۲۰ درصد به پزشکیان منتقل می‌کند (یعنی بخش قابل توجهی از آرای قالیباف به سید پزشکیان اضافه می‌شد) در صورتی که اگر جلیلی کنار برود ۴۵ درصد رای او به قالیباف منتقل می‌شود و فقط پنج درصد رای جلیلی به پزشکیان منتقل می‌شود. (یعنی بخش عمده سید رای جلیلی به سید قالیباف اضافه می‌شد) از طرفی گفته می‌شد اگر جلیلی، زاکانی و قاضی‌زاده‌هاشمی کنار بروند، قالیباف می‌تواند در دور اول انتخابات را تمام کند.

آخرین اجماع اصولگرایی در انتخابات ریاست‌جمهوری، سال ۱۴۰۰ اتفاق افتاد که سه گرایش شورای وحدت، شورای ائتلاف و جبهه پایداری در حمایت از سیدابراهیم رئیسی به اجماع رسیدند، اما از آن تاریخ به بعد آن‌ها نتوانستند اتفاق نظر جمعی را به نمایش بگذارند، به طوری که در غیاب اصلاح‌طلبان، انتخابات مجلس دوازدهم صحنه رقابت جدی لیست‌های اصولگرایی شد. این رقابت به انتخابات ریاست‌جمهوری چهاردهم نیز تسری یافت و پنج نامزد اصولگرا نهائیا در رقابت با مسعود پزشکیان نتوانستند یکی شوند.

اما برخلاف آنچه تحلیلگران اصولگرا به آن اشاره می‌کنند، پزشکیان رقابتی را برد که به معنای واقعی کلمه، نابرابر بود. معاون اجرایی دولت سیزدهم، رییس ستاد رقیب بود، بسیاری از نهادهای قدرت، مقامات مختلف، روحانیت، حوزه های علمیه، صدا و سیما، رسانه‌های حکومتی و… برای پیروزی جلیلی شبانه‌روز کار کردند. همچنین باید گفت موج تخریب‌هایی که علیه پزشکیان در شبکه‌های اجتماعی جریان داشت، بی‌سابقه و کاملا غیراخلاقی بود.



مقاله ماه

### فلسطین و ذهن‌های دوگانه‌ساز

روایت‌های انتزاعی کلی و هویت‌های موهوم از بزرگترین عوامل جنایات تاریخ بوده و هست. اگر واقعا با تعمق کافی به اسرائیل و فلسطین

فکر کنید، چیزی جز هویت‌هایی برای «دیگری» ساختن از انسان نیست.

یک انسان اسرائیلی و یک انسان فلسطینی، با این دو واژه فلسطین و اسرائیل تفکیک نمی‌شوند مگر با سطحی‌نگری. دو انسان از نظر کشش و واکنش‌هایشان متمایز می‌شوند.

برای مثال اگر کسی اسرائیلی یا فلسطینی بود و مرتکب جنایت شد، محکوم است و این که اسرائیلی باشد یا فلسطینی، تفاوتی ندارد. اگر برای شما جنایت «توسط چه کسی» اهمیت دارد، وجدان اخلاقی شما نیاز به خانه‌تکانی جدی دارد.

با این متر و معیار هویت‌های موهوم جعلی، با مرزهای موهوم اختراعی، نباید انسان را داوری کرد. امروز از بمب‌های ویرانگر اسرائیل شاد می‌شوید؟ یا دیروز از برخی صحنه‌های دلخراش توسط حماس شاد بودید؟ هر کدام شادتان کرد، یعنی گرفتار پیش‌داوری‌های ناروا هستید.

کافی است لحظه‌ای کودکی را تصور کنید که نمی‌دانید او اهل کجاست؟ اما زیر موشک‌باران جانش را، یا عزیزان و نزدیکانش را از دست می‌دهد و پوی مرگ تمام هستی‌اش را فرآ گرفته است. یا سالخورده‌گان و حتی جوانان و نوجوانانی بی‌گناه که اگر از عزیزان نزدیک ما بودند هیچ‌گاه برجسب‌های هویتی موهوم برایشان مهم نبود تا عاملان این وضع را محکوم کنیم، اما ذهن دوگانه‌ساز و متکی بر پیش‌داوری‌های مبتنی بر هویت، قبل از داوری‌اش، هویت‌ها و تاریخ و هزار برجسب دیگر را می‌کاود تا جنایت علیه آن‌ها را محکوم کند؛ یا برعکس توجیه کند.

البته ممکن است مثل برخی از خام‌اندیشان تصور کنید اخلاق از سیاست جداست و اخلاق چه ربطی به سیاست دارد؟ در این صورت علاوه بر وجدان اخلاقی، قوه عقلائی شما هم نیاز به خانه تکانی دارد، چون آغاز و مسیر و غایت سیاست، اخلاق است.

اما ماجرا به همین ختم نمی‌شود که در یک جمله بگوییم جنایت از هر سمتی محکوم است. بحث وسیع‌تری هم هست؛ فلسطین، فارغ از حماس، و دولت اسرائیل فارغ از مردمش.

اگر مسئله، داوری میان مردم فلسطین و دولت اسرائیل باشد بی‌چون و چرا دولت اسرائیل تاکنون کارنامه‌ای مملو از جنایت علیه بشریت داشته و دارد. در مقابل با نیرویی بسیار ضعیف‌تر، گروه‌هایی هم از طرف مقابل جنایت کرده‌اند. همان‌طور که در دو سمت ماجرا، صلح‌طلبان آزاده‌ای وجود داشته‌اند. اما اگر داوری میان حماس و دولت اسرائیل باشد، علت جنایات حماس مشخص است: از سکوت طولانی مجامع بین‌المللی به‌ویژه قدرت‌ها در برابر جنایات هولناک دولت اسرائیل گرفته تا عقاید و منطق مشابه حماس، با دولت و تندروهای اسرائیل.

زیرا تفاوت چندانی در منطق حماس و دولت اسرائیل وجود ندارد و یک منطق در دو جبهه قرار گرفته است. اما با وجود این علت‌ها، توصیف جنایات حماس قابل فهم است، نه قابل پذیرش. از توصیف علت جنایت، توجیه جنایت درنمی‌آید. خام‌اندیشی است اگر کسی بگوید علت خشم حماس را می‌فهمم. پس… کشتار مردم اسرائیل در فلان فستیوال موزیک یا تیراندازی به غیرنظامیان و گروگان‌گیری و… توجیه می‌شود! افکار دوگانه‌ساز را کنار بگذارید و تک‌تک انسان‌ها را بدون برجسب هویت‌های موهوم داوری کنید.

با یک کلمه فلسطین و اسرائیل و کلیات مبهمی از این قبیل، هر جنایتی در این جهان توجیه می‌شود و شما هر بار بین صف‌آرایی دو جبهه باطل، با کلی‌بافی‌های ذهن خود، فورا وارد یکی از دو جبهه می‌شوید. این‌جاست که به جای عقل، مشت‌تان گرم می‌شود و با مشت‌های بسته به دنبال چیدن میوه‌های نو هستید!

نکته بعدی این‌که که چرا فلسطین از حماس جداست؟ چون همین حرکت حماس هم نتیجه‌اش جز فاکتت بیشتر فلسطینی‌ها نیست و پیداست که آن‌ها برای حماس اهمیت چندانی ندارند. درست همان‌طور که قدرت‌ها هر بار جنایتی علیه فلسطینی‌ها شد سکوت کردند؛ «سکوتی که صدایی گوش‌خراش برای هر وجدان بیادری داشته و دارد» و برعکس با استانداردی دو گانه جنایت علیه اسرائیلی‌ها را در بوق و کرنا کردند. حالا اما با انتشار چند تصویر این سکوت شکسته، اما نه به سود انسان‌های در رنج و عذاب فلسطین، بلکه علیه آن‌ها! حالا نه فقط منطق استاندارد دو گانه، بلکه منطق «محکوم کردن قربانی» هم دامن مردم فلسطین را خواهد گرفت.

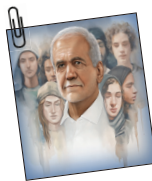
نتیجه اینکه همیشه ایستادن در وسط دو طرف دعوا و جنگ، جای درستی نیست مگر دو طرف سیاه باشد. در ستیز میان حماس و اسرائیل دو طرف سرخ است، سرخ از خون.



نشان ماندگار

آن که می تواند نسبت به نیکی دیگران ناپسپاس باشد از دروغ گفتن باک ندارد.

فریدریش شیلر



طرح جلد: محمد طحانی

یادگار و یادگار

# آیه گار

- ماهنامه الکترونیکی آیت ماندگار
- صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد آیتی
- سردبیر: امیر حسین مصلی
- مدیر هنری: عالیبه اعتمادیان
- آدرس: نواب، خیابان محبوب مجاز غربی، کوچه پرستو، مجتمع سرو ۲، زنگ ۹، طبقه سوم، واحد ۱
- تلفن: ۵۵۴۳۶۳۸۲
- وب سایت: www.ayatemandegar.ir
- پست الکترونیک: ayatemandegar@yahoo.com

## سومقاله

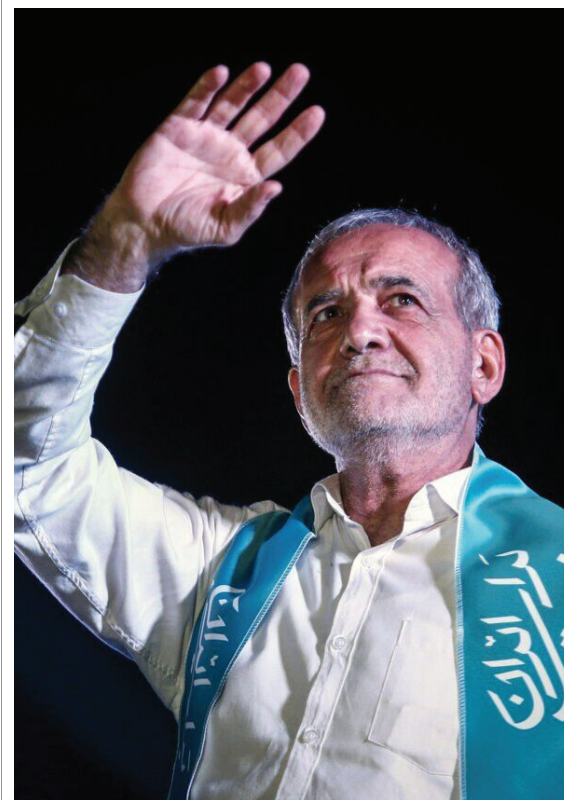
### رای به پزشکيان با پیامهای مختلف



محمد آیتی مدیرمسئول

کمتر کسی در ایران تصور می کرد یک روز مسعود پزشکيان به عنوان رییس جمهور منتخب ایران برگزیده شود، اما ۱۵ تیرماه، حدود ۱۶

میلیون و چهارصد هزار ایرانی، نام مسعود پزشکيان را در برگه رای خود نوشتند تا ضمن همراهی با او به نوعی پیامهای دیگری هم داشته باشند. یکی از عمده دلایلی که باعث شد مسعود پزشکيان، منتخب مردم ایران شود، پاکدستی، صداقت و سادگی او بود که نه در حرف، بلکه در عمل و طی دههها برای بسیاری از افراد جامعه اثبات شده بود. پزشکيان مردی است که می توانست سالها در آرامش، همراه با جیب پرپول به زندگی خود ادامه دهد، اما این سبک زندگی را هرگز انتخاب نکرد، چون او موفقیت و رضایت خدای خود را در این موضوعات دنیوی نمی دید. اظهارنظرهای بدون رودربایسی و البته نافذ مسعود پزشکيان، به ایام تبلیغات برنمی گشت و کسانی که او را می شناسند، می دانند که وی هر جا حق را تشخیص دهد، وارد صحنه می شود، حتی اگر گفتن این نظرات، به ضررش تمام شود. از طرفی و در حالی که برخی مخالفان پزشکيان، او را به بی برنامهگی متهم می کردند، او به حرف خود در زمان ثبت نام در وزارت کشور اصرار ورزید و مرتباً اعلام کرد که ما باید به برنامه هفتم توسعه کشور و اسناد بالادستی کشور که حاصل هزاران ساعت کار کارشناسی بوده است، پایبند باشیم. این احترام به فعالیت کارشناسان و نخبگان و پرهیز از دادن وعدههای الکی و توخالی که آن هم در این زمانه، مشتریان خوبی دارد و البته رای آور هم است، حقیقتاً کاری تحسین برانگیز بود. از سوی دیگر، حمله ناجوانمردانه و غیراخلاقی برخی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری به مسعود پزشکيان و سعه صدر این پزشک سیاستمدار، به مرور بسیاری از مردم و مخصوصاً بخشی از آرای خاکستری را با او همراه کرد. با وجود ماهها تبلیغات نمایشی و گسترده توسط برخی جریانان سیاسی مخالف مسعود پزشکيان که علاقه داشتند نشان دهند راه رفته شده در سالهای اخیر، مثبت و روشن است، اکثریت رای دهندگان با رای خود، نشان دادند «تغییر» بهترین گزینه برای خروج از وضع موجود است.



## نگاری

### بدون شرح Quinho ravelli



Quinho

## پرسی

### چرا جبهه انقلاب به وحدت نرسید؟

#### شکست تندروها به سبب سهم خواهی

گروه سیاسی: پس از برگزاری دور دوم انتخابات ریاست جمهوری نیز از همان ساعات نخست بامداد روز شنبه که مشخص شد سعید جلیلی بازنده انتخابات چهاردهمین دوره ریاست جمهوری است، طرفداران او و هواداران قالیباف در شبکه های اجتماعی به جان هم افتادند و همدیگر را مقصر این شکست معرفی کردند. کانال های هواداری او طرف در تلگرام با پیش کشیدن نظرسنجی های غیرمستند ادعا می کردند که اگر طرف مقابل از رقابت انصراف می داد، اصولگرایان در دور اول برنده این کارزار می شدند.



برخی کارشناسان بر این باورند در شرایط فعلی که گفتمان اصولگرایی با شکست مواجه شده، فرصت خوبی است که رییس جمهور منتخب، آن ها را به سمت گفتمان اعتدال و اصلاحات جذب کند و این مهم تنها به عملکرد دولت چهاردهم ربط پیدا می کند چرا که به نوشته سایت عصر ایران مادامی که جریان اصولگرا درگیر خودحق پنداری است، باید به شکست عادت کند و اگر هم بخواهد در رقابتی رای بیاورد، ناگزیر است از آویختن به امکانات عمومی و استفاده ابزاری از مفاهیم پیش گفته و تخریب رقیب ولو با تانک، چنانچه افتد و دانی! این خودحق پنداری، همان آفتی بود که در ۱۳۸۴ بر دامن اصلاح طلبان مغرور افتاده بود و تصور می کردند بیش از بقیه می فهمند و ناگهان «تازه از راه رسیده ای به نام محمود احمدی نژاد»، بر چهره شان چنان سیلی واقعیت را نواخت که ردش هنوز باقی است.

اصولگرایان گمان می کردند مردم ضعف رئیسی را به حساب درگذشت شهادت گونه اش خواهند گذاشت و به قول آن ها به امتداد دولت او (قالیباف یا جلیلی) رای خواهند داد، اما از این نکته غافل بودند که وضعیت نابسامان اقتصادی و افزایش تورم و صدها مورد دیگر با قدسی سازی دولت سیزدهم از بین نخواهد رفت و مردم به نامزدی رای خواهند داد که برای حل این مشکلات ابتدا به آن اذعان کند نه اینکه این مشکلات را زیر فرش پنهان کند؛ نکته ای که برای مردم حائز اهمیت بود و حتی مصطفی پورمحمدی از جایگاه اصولگرایی سنتی هم به آن اشاره کرد و گفت اگر خود رئیسی هم زنده می ماند راه خودش را ادامه نمی داد.

## شعرخوانی

همای اوج سعادت به دام ما افتد  
اگر تو را گذری بر مقام ما افتد  
حبابوار براندازم از نشاط کلاه  
اگر ز روی تو عکسی به جام ما افتد  
شبی که ماه مراد از افق شود طالع  
بود که پرتو نوری به بام ما افتد  
به بارگاه تو چون باد را نباشد بار  
کی اتفاق مجال سلام ما افتد  
چو جان فدای لبش شد خیال می بستم  
که قطره ای ز زلالش به کام ما افتد

خیال زلف تو گفتا که جان وسیله مساز  
کز این شکار فراوان به دام ما افتد  
به ناامیدی از این در مرو بزنی فالی  
بود که قرعه دولت به نام ما افتد

ز خاک کوی تو هر گه که دم زند حافظ  
نسیم گلشن جان در مشام ما افتد

حافظ شیرازی

